



پژوهشی درباره کاروانسرای قلعه خرگوشی (ندوشن)

داریوش مهرشاهی^۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

چکیده

در تاریخ فرهنگی بسیاری از جوامع و تمدن‌های گذشته، کاروانسراها نقش تعیین‌کننده‌ای را در حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی - امنیتی عهده‌دار بوده‌اند. به طوری که، کاروانسراها، نه تنها به عنوان استراحتگاه و مأمنی برای مسافران، بازرگانان و کاروان‌ها بودند، بلکه نقش مهمی در اقتصاد و تجارت و توزیع تولیدات و درآمدها در مناطق گوناگون داشتند. همچنین، به عنوان اقامتگاه‌ها و همچنین محلی برای تعاملات فرهنگی و تبادل اندیشه‌ها و آداب و رسوم بین مردم بودند. به علاوه، مکان‌هایی برای انتشار و تبادل اخبار سیاسی و اقتصادی بین مناطق مختلف یک کشور به شمار می‌رفتند.

نوشتار حاضر، به بررسی سوابق موجود پیرامون یک میراث فرهنگی بجا مانده از عهد صفویه، یعنی کاروانسرای قلعه خرگوشی ندوشن پرداخته است. برای این منظور، با مطالعه اسنادی و با بکارگیری رویکرد توصیفی - تحلیلی، پرسش‌های پژوهشی در سه محور بررسی گردید: تاریخچه و اسناد تاریخی کاروانسرا، بررسی چگونگی و دلایل تخریب بنای قلعه، انتساب مکانی بنای قلعه. این نوشتار، بر لزوم توجه به مرمت و احیای این اثر از طریق دادن کاربری نو به آن تأکید دارد تا بتواند میراث گرانبهایی را از تاریخ گذشته ما، بهتر و مؤثرتر به نسل کنونی و آینده بازشناساند.

واژگان کلیدی: کاروانسرا، قلعه خرگوشی، تاریخچه معماری، اسناد تاریخی، ندوشن.

مقدمه

نخستین آشنایی نگارنده با نام «ندوشن» از دوره دانشگاه و زمان دانشجویی بود، در نخستین سال‌های دهه پنجاه خورشیدی که با نوشتارهای محمدعلی اسلامی ندوشن آشنا شدم. نوشتارهایی به نامواره «ایران را از یاد نبریم» و یا «به دنبال سایه همای»^(۱) از وی منتشر شده بود که برای ایران دوستان جالب و خواندنی بود. بعدها فهمیدم که روستایی یا آبادی‌ای نیز به اسم «ندوشن» وجود دارد که بنا بر فرهنگ جغرافیایی ایران^(۲) (جلد دهم)، حدود ۶۵ سال پیش جزئی از استان یزد و شهرستان میبد به شمار می‌آمده است (۱۳۳۵ خورشیدی). این شهر بسیار کوچک با جمعیتی در حدود ۲۴۰۰ نفر در سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی اکنون نیز جزئی از بخش ندوشن از شهرستان میبد به شمار می‌رود.^(۳)

اما با قلعه خرگوشی یا رباط (کاروانسرا) خرگوشی (تصویر ۱) زمانی آشنا شدم که درس‌های جغرافیای تاریخی ایران و درس زمین‌شناسی ایران را در دانشگاه تربیت معلّم یزد (۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷) تدریس می‌کردم و با نقشه‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی استان یزد سروکار داشتم. در آنجاها تنها نامی از این کاروانسرا را شنیده بودم و فقط می‌دانستم که از دوره صفویه به یادگار مانده است و دیگر هیچ.

اما نوشتارهای خبری درباره «ویرانی کاروانسرای قلعه خرگوشی عقدا» واژه‌ها و نامواره‌هایی را در بر داشت که جای بازنمایی (توضیح) دارد. از این نوشته‌ها در بخش نمایی سرچشمه‌ها یاد شده است. این بنای تاریخی و بسیار جالب، در آشفته بازار شبکه‌های اینترنتی خبیری - گردشگری و آگاهی‌رسانی محلی به نام قلعه خرگوشی ندوشن، ورزنه، عقدا، میبد، اردکان و حتی اصفهان هم نامیده شده بود و همین جای پرسش داشت که واقعاً این بنا به چندین شهر و استان وابسته است و چرا اینگونه شده است؟ افزون بر این، روند شکل‌گیری و گذشته این بنا و چرایی تک افتاده بودن و فراموش شدن این اثر تاریخی، ارزش بررسی و مطالعه دارد.



ISNA PHOTO
Mohsen Panahi

تصویر ۱: نمایی از کاروانسرا - قلعه خرگوشی ندوشن (عکس از محسن پناهی، ایسنا).

چند نکته:

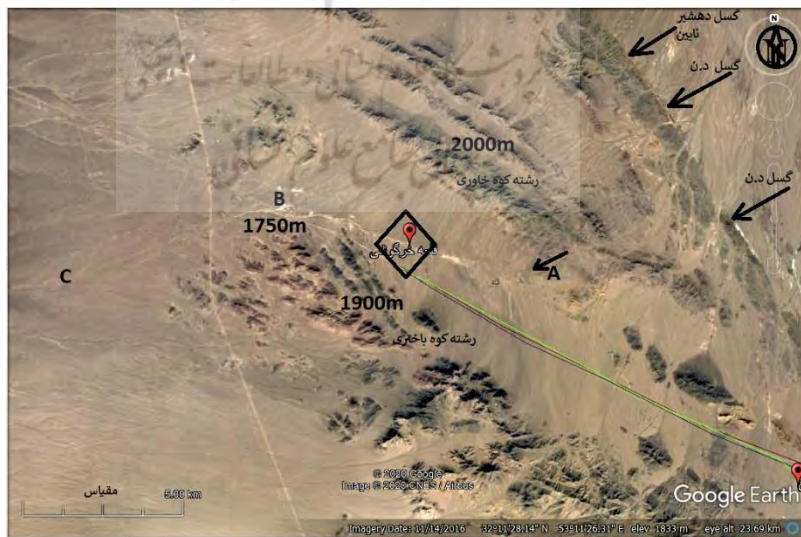
نکته نخست: در نوشتار امرداد (رستگار، ۱۳۹۹/۲/۹)، آگاهی‌هایی در باره کاروانسرای قلعه خرگوشی (از این پس به اختصار، «ک. ق. خ»، بیان شده است) که بخشی از آنها در سایت‌ها و نوشته‌های شبکه مجازی دیگر نیز دیده شده است، کمتر از سرچشمه‌ها (یا مآخذ) آنها خبری هست. این بخش، بازگشت به سرچشمه‌های تاریخی مانند کتیبه‌ها و کتاب‌ها و اسناد تاریخی را نیاز دارد.

نکته دوم: میزان ویرانی‌ها و درصد خرابی‌هاست که چندان آشکار نیست و اجزا و کارکردهای^۱ مهم این کاروانسرا - قلعه به خوبی بازنمایی نشده است.

نکته سوم: آیا ک. ق. خ به آبادی یا روستای ویژه‌ای وابستگی و تعلق دارد یا خیر و اگر دارد چرا؟ در آن نوشتار (امرداد فروردین ۱۳۹۹) این کاروانسرا به عقدا و در نوشتار ایرنا (بی نام، ۱۳۹۸/۱/۱۲) به ندوشن و در نوشتار خبری آفتاب یزد (بردستانی، ۱۳۹۷/۳/۲۰) تنها به عنوان «واقعیاتی تاریخی در حال فروپاشی» مطرح شده است. پس نکته نخست این است که واقعاً این اثر تاریخی از لحاظ تاریخی به کدام شهر و آبادی تعلق دارد و آیا اصولاً مطرح کردن تعلق یک اثر تاریخی به یک

دشت سر (پدیمت) رشته کوه رو به خاور آن (کوه قلعه خرگوشی) و از سوی در انتهای دشت سر رشته کوه سمت باختری تا جنوب باختری آن (کوه کلاغ و کوه سرخ و بهرام) جای دارد. در محل قلعه، از چشمه‌ای یاد شده است که یکی از شوندهای ساختن کاروانسرا در این محل بوده است. وجود این چشمه احتمال دارد به عملکرد گسل یاد شده و نیز جایگاه این ساختمان در داخل آبراهه‌ای مربوط شود که در محل برخورد دو دشت سر رو به روی هم شکل گرفته است. آبراهه یاد شده پس از گذشتن از انتهای شمالی رشته کوه کم ارتفاع باختری به سوی باتلاق گاوخونی روانه می‌شود (تصویر ۳). یک جاده خاکی قدیمی و شنی از این محل به روستاها و آبادی‌های اطراف کشیده شده است که یکی از آنها تا ندوشن (در ۳۸ کیلومتری خاور) و سورک و ادامه آن نیز از سوی آبادی هفتهر به سمت عقدا می‌رود.

جدا از فضای خود کاروانسرا، گستره‌های پیرامون آن، چه در کوه‌های جداگانه و چه در دشت یا آبرفت‌ها، دستبرد زده شده و به شدت در هم ریخته شده است که تصاویر ماهواره‌ای و عکس‌های هوایی این دگرگونی‌ها را به خوبی نشان می‌دهند.



تصویر ۳: جایگاه کاروانسرا نسبت به گسل دهنشیر - ناین، مابین دو رشته کوه و مسیر آبراهه اصلی از A به B و C.

این کاروانسرا - قلعه را به عنوان قلعه خرگوشی ندوشن، اردکان، عقدا، ورزنه و حتی یزد نام برده‌اند که جای تعجب دارد. به این موضوع در نکته پایانی می‌پردازم ولی نسبت دادن یک مکان ویژه به آبادی‌های گوناگون در درازای تاریخ آن معنادار است و نیاز به شناخت تاریخچه پیدایش و بنای آن دارد. از نظر سن و زمان ساختن، اولین موضوع، که نشانگر زمان ایجاد بنای کاروانسراست، کتیبه‌های سردر دروازه ورودی بوده است که شوربختانه همه به تاراج رفته‌اند. بناهایی تاریخی در ایران از قلعه‌ها و کاروانسراها گرفته تا پیرانگاه‌های زرتشتی مثل پیر سروچم یا پیر سستی پیر یا برخی آب انبارهای قدیمی هستند. کتیبه‌های آنها، که بیانگر تاریخ آن اثر به هستند، به دست افرادی ناشناس کنده شده و به سرقت رفته است. در این کاروانسرا - قلعه نیز کتیبه‌ای بوده است که تاریخ بنا را عهد شاه عباس صفوی به سال ۱۰۲۳ خورشیدی نشان می‌دهد (تصویر ۴: از کتابی، ۱۳۹۰؛ نیز ر. ک. افشار، ۱۳۴۸).



تصویر ۴: بخشی از سنگ نوشته سردر ورودی ک. ق. خ؛ نام شاه عباس در میانه کتیبه دیده می‌شود
(عکس از: سایت msol.ir، سلطان الکتابی، ۱۳۹۰).

در جلد نخست کتاب یادگاره ای یزد (ایرج افشار، ۱۳۴۸) به نام رباط خرگوشی به نقل از کتابی دیگر به اسم «تاریخ عالم آرای عباسی» (اسکندر بیگ ترکمان معروف به منشی، ۱۳۳۵) اشاره شده است. هنگامی که به عالم آرای عباسی مراجعه می‌کنیم، در نسخه پی. دی. اف (دیجیتال) صفحه ۱۶۵^(۴) از سطر بیست سوم چنین نوشته شده است:

«... و رباط گاوخانی و رباط دیگر در بیابان خرگوشی مابین ورزنه و دیدشتن اصفهان و ندوشن یزد که همیشه از بیم قطاع الطریق محل خوف و خطر مترددین بود و حالا امن و آبادست، ...» (تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳: ۱۱۱۱).

جالب است که همین مطلب در یادگارهای یزد (ایرج افشار، ۱۳۳۵) چنین آمده است که عیناً نقل می‌شود:

«از این رباط، در عالم آرای عباسی یاد شده است. اسکندربیک ترکمان ذیل مقاله یازدهم از صحیفه اول به عنوان آثار خیر شاه عباسی می‌نویسد: «... و رباط گاوخونی و رباط دیگر در بیابان خرگوشی مابین ورزنه^(۵) رودشتین اصفهان و ندوشن یزد که همیشه از بیم قطاع الطریق محل خوف و خطر مترددین بود و حالا امن است...» (افشار، ۱۳۳۵: ۱۱۱۱).

نکته آشکار با توجه به این متن، که در دوره صفوی نگاشته شده است، ساخته شدن این بنا در دوره شاه عباس اول است و به عنوان رباط خرگوشی در راه اصفهان به ندوشن شناخته می‌شده است.

در رویه (صفحه) چهل و دوی کتاب یادگارهای یزد (افشار، ۱۳۴۸) چنین آمده است (به جز یک مورد بدون هیچ گونه دگرگونی یا ویراست از سوی نگارنده نقل شده است).

«این رباط که از بناهای خیر و استوار شاه‌عباس صفوی است، نزدیک باتلاق گاوخونی و بر سر راه قدیمی واقع شده که امروز مالرو است و از آنجا راهی به ورزنه^(۶) و راهی به ندوشن می‌رود و فاصله‌اش تا ورزنه حدود چهارده فرسخ است. چون راه یزد به اصفهان از معبر قدیم به مسیر کنونی تغییر یافته، اهل تحقیق گذارشان بدین رباط نیفتاده است و فرنگی‌ها هم ذکری از آن در کتب اساسی معماری و باستان‌شناسی ایران نکرده‌اند. از این رباط در تاریخ عالم آرای عباسی یاد شده است.» (که در سطرهای بالا نقل شد) ... و در ادامه آمده است که: «بیابان خرگوشی بیابانی است بر کناره شرقی و جنوبی گاوخونی و رباطی که در آن ساخته شده به همان نام محل نامیده شده است. این رباط ده فرسخ تا عقدا و بیست فرسخ تا ندوشن فاصله دارد^(۷) و راه آن از خلیل آباد جدا می‌شود. ابتدا به سروعلیا و بعد به آبادی محقری به نام کایون (۹) می‌آید.» (افشار، ۱۳۴۸: ۴۲).

از این نوشته و نیز از کتاب عالم آرای عباسی آشکار است که راه دیرینه اصفهان



به یزد از ندوشن و در نزدیکی این کاروانسرا می‌گذشته است که پس از دگرگونی راه به مسیر تازه، ندوشن و این کاروانسرا از رفت و آمد همگانی دور مانده‌اند. اشتباهی که در این صفحه دیده می‌شود در باره فاصله ندوشن با کاروانسرا است که با توجه به نگاره ماهواره‌ای گوگل چیزی پیرامون ۳۷ کیلومتر به خط راست و تا ۴۰ کیلومتر از سوی جاده خاکی است و مسافت بیست فرسخ (۱۲۰ کیلومتر) درست نیست.

اما در رویه چهل و سوم همین کتاب (افشار، ۱۳۴۸) در مورد ویژگی‌های فیزیکی بنا و هندسه آن چنین آمده است^(۸):

«رباط بسیار عالی و بزرگ و معتبر و تمام از سنگ و آجر ساخته شده و طول و عرض آن حدود هشتاد در هشتاد مترست (متر است). متأسفانه به علت انحراف راه و بی مصرف ماندن رباط، چوپانان و ساربانان قسمت‌های زیادی از آن را خراب کرده‌اند و تقریباً رو به انهدام است. این رباط از بزرگترین و زیباترین و خوش طرح‌ترین رباط‌های عصر صفوی است. رباط‌هایی که در اطراف سیاهکوه^(۹) (مشهور به عین‌الرشد و قصر بهرام نزدیک ورامین)، اصفهان و نطنز و جز اینها دیده‌ام، هیچ کدام بدین پایه نیستند و بسیار افسوس که ویرانی در ارکان آن چنگ انداخته است. وضع ساختمانی رباط به این شرح است: در دوره اصلی رباط، اصطبل و جلوی آنها حجرات (حجره‌ها یا اطاق‌ها) و پیش اطاق‌ها صفه‌ها قرار دارد.»

«در هر بدنه آن پنج ستون برج نما ساخته شده، دیواره روی پشت بام دو متر عرض دارد، سر در آن دو طبقه و طبقه دوم شاه‌نشین است، در داخل رباط دورتادور هیجده صفه هست که سه صفه بزرگتر و یکی هم قسمت جنوبی دارای محراب و نمازگاه است. در چهار زاویه رباط چهار مدخل برای دخول به طویله است و مخزن آب به صورت آب انبار در وسط رباط ساخته شده است.»

نفیس‌ترین اثر باقی‌مانده در این رباط کتیبه آن است که به خط علی رضای عباسی خطاط مشهور عصر شاه عباس است و در پیشانی رباط میان شاه‌نشین و سردر ورودی نصب است. این کتیبه بر پانزده قطعه سنگ سبز رنگ به عرض

شصت سانتی متر و طول هشت متر در سه ضلع مدخل نقر (کنده) و نصب شده، و عبارت منقور (کنده شده) بر آن بدین شرح است:

«امر فرمودند بانشاء (به ساختن یا ایجاد) این رباط بندگان نواب کامیاب کلب آستانه (شروع صفحه ۴۴ همان کتاب) حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلم (السّلام)، عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه (منظور شاه عباس اول)، و ثواب آن به روح جدّ بزرگ بزرگوار خود پادشاه غفران پناه فردوس بارگاه، شاه طهماسب انارالله برهانه هبه فرمودند، کتبه علی رضا عباسی، ۱۰۲۳ (هجری قمری)».

و در خاتمه نیز در همین صفحه کتاب یادگارهای یزد آورده شده است: «در داخل رباط، بر دست چپ بدنه دیوار ورودی سنگ سپاهرنگی نصب است که به خط نسخ ناپخته‌ای، این عبارت بر آن نقر شده: «هو الله سبحانه، بسعی العبد الملک المعبود الاله اسدالله بن حسن خانه خواه، سنه ۱۰۲۳»». «بر سمت راست همین بدنه و قرینه سنگ مذکور در فوق، سنگ دیگری نصب بوده است که آن را از جای خود خارج کرده‌اند. اما اینکه آن را به کجا برده‌اند و چه بر آن نوشته بوده خدا عالم است» (افشار، ۱۳۴۸: ۴۴).

این بخش‌ها از کتاب یاد شده به این شوند آورده شد که سرچشمه نوشته‌ها و گفته‌هایی که هم امروز در اینجا و آنجا آورده می‌شوند به خوبی آشکار باشد و بدانیم که ما از سال ۱۳۴۸ تاکنون جز واگذاشتن این اثر ارزشمند تاریخی (همانند بسیار بناهای تاریخی دیگر) به دست کاستی و ویرانی کاری نکرده‌ایم (تصویر ۵: سردر ورودی).

در این بخش و بنا بر سنگ نوشته برداشته شده آشکار است که زمان ساخت بنا عصر شاه عباس و معمار و یا سرپرست ساخت آن اسدالله بن حسن خانه خواه بوده است و در سال ۱۰۲۳ هجری ماهی (قمری) برابر با ۹۹۳ هجری خورشیدی (۱۶۱۴ میلادی) به پایان رسیده است. در این نوشتار، از یک سنگ نوشته دیگر هم یاد می‌شود که شوربختانه پیش از همان سال ۱۳۴۸ دزدیده شده بوده و آشکار



نیست که دارای چه متن و آگاهی‌هایی بوده است. به این گونه، اگر همین نوشته اصلی و مهم که به وسیله روانشاد ایرج افشار بازنویسی شده، نبود ما مشکل می‌توانستیم به سند معتبری به جز نوشته تاریخ عالم آرا که تنها در سه خط از این اثر یاد کرده بود، دسترسی داشته باشیم.



تصویر ۵: نمای سر در ورودی کاروانسرا و سنگ‌های کنده شده‌ای که کتیبه‌های دوره صفوی بر آن نوشته بوده است (برگرفته از سایت msol.ir؛ کتابی، ۱۳۹۰ دی ماه).

نکته دوم: دلایل ویرانی بنا

برای بررسی چگونگی و چرایی ویرانی و فروپاشی یک بنا به چند مورد اصلی باید توجه کرد که شامل: وضع زیربنا یا جایگاه ساخت (خاک و رطوبت زمین و زمین‌شناسی)، وضع آب و هوایی منطقه، وضع ناهمواری‌ها (ریخت‌شناسی زمین)، نوع معماری، نوع مواد به کار گرفته شده در ساخت بنا و چگونگی نگهداری یا بی‌توجهی از سوی مردم محلی و مسئولین است.

در این بخش، برای بررسی بهتر، هر یک از موارد بالا جداگانه بررسی می‌گردد.

الف) وضعیت زمین زیربنا یا جایگاه ساخت از نظر نوع خاک، رطوبت زمین و زمین‌شناسی:

این کاروانسرا از نظر زمین‌شناسی در زون تکتونیک پویای ایران مرکزی و مابین کوه‌های خرگوشی در سمت شمال تا خاور و کوه‌های کلاغ و کوه سرخ و کوه سه نوک در سمت جنوب تا جنوب باختری قرار گرفته است. از نظر سنگ‌شناسی جنس سنگ‌ها بسیار گوناگون است، ولی بیشتر در گروه سنگ‌های آذرین تا آذرآواری دست بندی می‌شوند. این سنگ‌ها تنها به عنوان نمونه از گونه‌گذاری‌های آندزیتی در باختر کوه علی شفیع، جریان‌های گدازه‌ای از آندزیت معمولی ولی با کیفیت گوناگون در کوه کلاغ، تا یک واحد شوشونیتی در کوه قلعه خرگوشی و سایر سنگ‌های آذرین آشکار می‌شوند که بازنمایی بیشتر را در نوشتارهای زمین‌شناسی نقشه‌های مربوطه می‌توانید بیابید. سن این سنگ‌ها بیشتر به دوره ائوسن از دوران ترشیاری (دوران سوم) زمین‌شناسی نسبت داده شده است. در بخشی از کوه‌های نزدیک به قلعه خرگوشی، سنگ‌های گرانیتی یا گرانودیوریتی نیز به صورت پراکنده به شکل نفوذی محلی وجود دارند (عمیدی و همکاران، ۱۹۸۹).

این گستره مابین کوه‌های کلاغ و قلعه خرگوشی و سورک تا عقدا به شدت از نظر زمین ساختی گسل خورده (شکسته) شده و یک گسل اصلی سراسری هم تمام این منطقه را به روند شمال باختری به جنوب خاوری (گسل نایین - دهشیر - بافت) قطع کرده است که با گسل سورک برخورد دارد. به این ترتیب چین خوردگی‌های زیاد و شکسته شده با فوران‌های گدازه‌ای آذرین بیرونی (خروجی) و درونی منطقه را به چهره‌ی موزاییکی رنگین و گوناگون در آورده است. در نتیجه این فرآیندها، منطقه از نظر نوع خاک هماهنگی زیادی ندارد و فرآیندهای گسلی، ماگمایی (آذرین)، دگرگونی و فشار زمین ساختی چهره اصلی و پیشین زمین‌ها را بسیار تغییر داده است.

ب) وضعیت آب و هوا:

از آنجا که ندوشن نزدیک‌ترین شهر به این کاروانسراست که دارای داده‌های



آب و هوایی است، آگاهی‌های پایه از ایستگاه هواشناسی این شهر بیان می‌شوند. ندوشن شهری است که در گستره کنونی در بلندای مابین ۲۰۰۰ تا ۱۹۲۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است (گوگل ارت، ۲۰۱۶). به دلیل این بلندی، دمای هوای میانگین در اینجا نسبت به یزد معتدل‌تر است. متوسط بارش دوازده ساله با سال پایانی ۱۳۸۹ در اینجا بیش از ۹۲ میلی‌متر بوده است و بخش بیشینه بارش بین ماه‌های دی تا فروردین روی می‌دهد. نزدیک به ۱۸ درصد بارش به شکل برف و بقیه ریزش به شکل باران حاصل می‌شود. میانگین دمای سالانه منطقه بر پایه ارتفاع، بین ۱۲ تا ۱۵ درجه نوسان دارد (محمّدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲).

بنا بر آمار اداره کل هواشناسی استان یزد، در بازه بیست ساله (۹۵-۱۳۷۵) میانگین دمای تیرماه، گرم‌ترین ماه سال، حدود ۲۶ درجه با بیشینه ۳۹/۸ (نزدیک به چهل) درجه سلسیوس و میانگین دمای دی ماه که سردترین ماه سال است، حدود ۲/۵ (دو و نیم) درجه است، کمینه مطلق آن به ۲۲ درجه زیر صفر هم رسیده است. در سال، به طور میانگین، نزدیک به ۸۹ شب یخبندان وجود داشته است که ۹۰ درصد از آن در چهار ماه آذر، دی، بهمن و اسفند روی داده است. تفاوت بین بیشینه مطلق ماه دی که ۱۸ درجه بوده است و کمینه مطلق همین ماه تا منهای ۲۲ درجه رسیده است که نشان‌دهنده امکان سرمای شدید در برخی از زمستان‌هاست. میزان میانگین بارش بیست ساله نیز تا ۹۲/۵ (نود و دو و نیم) میلی‌متر رسیده که یک بیشینه بارشی بیست و چهار ساعته تا ۵۸ میلی‌متر در ماه آذر را نیز شاهد بوده است (آمار سازمان هواشناسی استان یزد).^(۱۰) با توجه به بیشینه‌های بارشی ۲۴ ساعته از ۲۵ تا ۴۰ میلی‌متر در زمستان می‌توان در این چهار ماه انتظار سیلاب‌های محلی را داشت به شرط آن که بیشتر بارش به شکل باران فروریخته باشد. بارش‌های شدید و یخبندان‌های بلند مدت و به ویژه نوسان‌های دمای بالا و پایین صفر در بهار، پاییز و زمستان می‌تواند نقش چشمگیری در هوازدهگی فیزیکی سنگ‌های گرانیتی و نیز جدا کردن و خرد کردن سیمان بین سنگ و آجرها داشته

باشد.

پ) ناهمواری و زمین ریخت‌شناسی:

از دید ریخت‌شناسی زمین (شکل و گونه ناهمواری) از سه بخش اصلی زیر تشکیل می‌شوند.

نخست: کوه‌ها و تپه‌ها یا به طور کلی بلندی‌ها که بیشتر از خانواده سنگ‌های آذرین و دگرگونی و فرآورده‌های پسین ناشی از هوازدگی این سنگ‌ها هستند. مثل: کانی‌های اکسید آهن دار و کربنات مس‌دار. این بلندی‌ها هیچ کدام منبع مناسبی برای فراهم آوردن بارش کافی در منطقه نیستند.

دوم: دشت‌ها و دره‌ها که مابین کوه‌ها تشکیل شده‌اند و از نهشته‌های آبرفتی و سیلابی پر شده‌اند و در برخی گوشه‌ها پهنه‌های ماسه بادی و یا شوره‌زار هم دیده می‌شود که نمونه‌ای از این شوره‌زار در دغ^(۱۱) حاج علی‌رضا قابل مشاهده است.

سوم: باتلاق گاوخونی به فاصله پیرامون ۲۳ کیلومتر از باختر این کاروانسرا قرار دارد که نقش ارزشمندی در زهکشی یا جمع‌آوری آب‌های منطقه به سمت خود دارد. افزایش میزان آب در این باتلاق می‌تواند بر شرایط آب زیرزمینی محدوده اطراف اثر نهد و از طرفی کاهش میزان آب نیز بر تغذیه ماسه‌های بادی بیفزاید. بر روی تصاویر گوگل ارت سه ساحل یا نوار ساحلی در کناره خاوری باتلاق قابل شناسایی است که کاهش آب را نشان می‌دهد. بیرون آمدن زمین از درون باتلاق با آزاد شدن ماسه، سیلت و نمک همراه است که ممکن است به وسیله باد به اطراف و به ویژه به سوی خاور رانده شده باشند یا رانده شوند. در سمت خاوری این باتلاق و به سوی تپه کوه‌های محلی (با روند شمال خاوری - جنوب باختری)، به نظر می‌رسد که تلماسه‌هایی بالا رفته باشند که به پیکر کوه‌ریگ در آمده‌اند. پیش از رسیدن به کوه‌ریگ‌ها، در فاصله بین باتلاق و تپه کوه‌ها، تکه‌ها و پهنه‌های پراکنده ماسه بادی بر روی زمین شکل گرفته‌اند که نشانه جابجایی ماسه از سوی باختر تا جنوب باختری است^(۱۲). بیشتر کوه‌ریگ‌های موجود در رشته کوه‌های پراکنده جنوبی کاروانسرا، جهت جنوب باختری را در جابجایی و تراکم نشان می‌دهند



(تصویر ۳: از تصاویر گوگل ارت، لندست ۲۰۱۶).

ت) نوع معماری و مصالح به کار رفته در ساختمان:

سبک معماری قلعه و کاروانسرای خرگوشی، سبک رایج دوره صفوی به شکل یک محوطه مستطیلی شکل با چهار برج و یک چاه یا چشمه در میان (وسط) و حجره‌ها و صفه‌ها در طرفین بنا با یک دروازه ورودی دو طبقه که شاه‌نشین آن در قسمت بالا قرار گرفته بود. دیوارها از یک بخش بالایی آجری به ارتفاع (نامعلوم) و یک بخش زیرین از جنس سنگ لاشه گرانیتی با بلندی پیرامون دو متر درست شده‌اند.^(۱۳)



۱۲۰

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۹

پژوهشی درباره کاروانسرای قلعه خرگوشی

با پرسش از یکی از دوستان اهل ندوشن و نیز نگاهی به وب سایت‌های موجود، مواد اصلی به کار رفته در ساختمان کاروانسرا از سه گروه اصلی شامل: آجر، سنگ گرانیت (؟) و سیمان (ساروج) بوده است. اینکه زیربنای ساختمان را چگونه آماده کرده‌اند بر نگارنده آشکار نیست و حتی اینکه سنگ‌های به کار رفته حتماً از گونه گرانیت باشند، قطعی نیست چرا که در هیچ سرچشمه‌ای، خبری از نمونه‌هایی از سنگ که برای شناسایی، آزمایش شده باشند، نداریم. اینکه معدن برداشت گرانیت (؟) در کجا قرار داشته آشکار نیست، ولی در دو یا سه مورد چنین اشاره شده است که: «برای ساخت این بنای تاریخی، سنگ و آجر نیاز بود که سنگ‌های آن از جنس گرانیت از کوه‌های اطراف قلعه جمع‌آوری و آجر آن نیز از کوره‌های آجرپزی ندوشن که تا حدود ۳۰ سال پیش فعال بوده، تأمین شده است. به منظور استحکام و جلوگیری از فرسایش بنا، قسمت پایین قلعه تا ارتفاع دو متر با سنگ (همان گرانیت^(۱۴)) و بخش فوقانی دیوارها با آجر بنا شده است.» (به نقل از: خبر ایرنا^(۱۵)، ۱۲.۱.۱۳۹۹ و بامداد رستگار، ۱۳۹۹ فروردین). مکان واقعی کوره‌های آجرپزی مورد استفاده همگی، به گفته پیرمردان محلی، نزدیک به ندوشن عنوان شده است.

ث) چگونگی نگهداری بنا در دهه‌های گذشته:

آنچه بی گمان روشن است، سهل انگاری در نگهداری این مجموعه ساختمان

تاریخی است. نشانه‌ها و یادگارهای بازمانده در این بنا از ویرانی و فروپاشی



تصویر ۶: نمونه‌ای از وضعیت بنا و دیوارهای داخلی آن
(برگرفته از سایت msol.ir). عکس از کتابی، ۱۳۹۰

تدریجی آن خبر می‌دهد (تصویر ۶). به نظر می‌رسد که از همان سال‌های اواخر دههٔ چهل دستبرد به کتیبه‌های سنگی در این بنا شروع شده باشد، چرا که روانشاد ایرج افشار در یادگارهای یزد از نبودن یک تکه از سنگ نوشته‌ها یاد می‌کند (افشار، ۱۳۴۸: ۴۴). به این مورد در نکتهٔ نخست اشاره رفت. احتمالاً تا سال ۱۳۸۴ این کتیبه‌های سردر ورودی همچنان دست نخورده مانده بودند؛ اشاره به وجود آنها در برخی نوشته‌ها بیانگر این نکته است؛ به عنوان مثال، الکتابی (۱۳۹۰) در سایت خود اشاره می‌کند که: «آخرین باری که به این کاروانسرا رفته بودم، تابستان سال ۱۳۸۴ بود ... و از دیدن کتیبه‌های زیبای سردر آن به خط استاد علیرضا عباسی، حقیقتاً به وجد آمدم. از سوی دیگر حدود هفت سال بعد (در اواخر سال ۱۳۹۰) هنگام بازدید مجدد از این کاروانسرا، جای کتیبه‌های ارزشمند (دوره) صفوی بر بدنه کاروانسرا خالی بود و روند تخریب بنا جالب به نظر می‌رسید» (الکتابی، ۱۳۹۰). عکس‌هایی از سال ۱۳۹۰ در دست است که نشان می‌دهد بخش‌های زیادی از این کاروانسرا به ویژه بدنه سنگی پایینی فرو ریخته‌اند (نگارهٔ هفت) و خسارات‌هایی به بخش‌های آجری هم وارد آمده بوده است (نگاه کنید به: رستگار، ۱۳۹۹ به نقل از میرجانی؛ بردستانی، ۱۳۹۷ و الکتابی، ۱۳۹۰). کتیبه‌های کنده شده هم گویا جمع‌آوری شده

است و در مکانی توسط سازمان میراث فرهنگی نگهداری می‌شود (به نقل از میرجانی^(۱۶) در رستگار، ۱۳۹۹). به تازگی از سوی میراث فرهنگی اردکان اقدام به تعمیراتی در بخش‌های فرسوده بنا شده است که امید بهسازی این یادمان تاریخی و نگهداری بهتر آن را، با وجود کمبود بودجه لازم، زنده کرده است.



تصویر ۷: وضعیت دیوارهای درونی اتاق‌های کاروانسرا (برگرفته از سایت ورزنه www.varzaneh.org)

نکته‌ای که جای توجه دارد این است که در بیشتر عکس‌ها، تاریخ دقیق عکاسی و گیرنده عکس مشخص نیست و متأسفانه صحت اسناد نگاره‌های برداشته شده را کاهش می‌دهد. در برخی از نگاره‌ها (عکس‌ها) نماهای ویران شدگی چشمگیرتر و در برخی بسیار کمتر جلوه می‌کنند، ولی به شوند (دلیل) نبودن تاریخ دقیق برای این نگاره‌ها نمی‌توان با ریزبینی و درستی درباره آنها داوری کرد. به عنوان نمونه در نگاره زیر از این کاروانسرا، برگرفته از سایت ورزنه سبا، نمای خارجی نسبتاً استوار و سالم به نظر می‌رسد (تصویر ۸). درباره این عکس یا عکس‌های دیگر هیچ گونه توضیحی نیامده است و آشکار نیست از کدام سو عکس گرفته شده و کدام دیوار

است و حتی معلوم نیست تا چه حد به ک. ق. خ بستگی داشته باشد در حالی که در زیر متن مربوط به این کاروانسرا آمده است: (سایت ورزش سبای ماه^(۱۷) ۱۳۹۷).



تصویر ۸: احتمالاً نمایی است از دیوار قلعه خرگوشی که به نظر بازسازی شده است. ولی توضیحی درباره آن به دست نیامد. (از: سایت ورزش سبای ۲۸ دی ماه ۱۳۹۷)

نکته سوم: این کاروانسرا به کدام آبادی یا روستایی تعلق دارد؟

از آنچه که از تاریخچه شفاهی این بنا و نیز کتاب‌ها یا مقاله‌های منتشر شده بر می‌آید این سازه تا حدود چهل سال پیش جزئی از ندوشن یا حریم تاریخی- فرهنگی ندوشن به حساب می‌آمده است. بنا بر بررسی دانش‌یزدی (۱۳۸۴)، این بنا که در شمال خاوری^(۱۸) باتلاق گاوخونی در مسیر جاده قدیم یزد به اصفهان قرار دارد، در تقسیمات استانی جدید جزئی از بخش عقدا شناخته شده است، اما «این بنا تا چند دهه گذشته جزئی از مستحذات ندوشن بوده است» (دانش‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲).

در جایی دیگر می‌خوانیم که: «این قلعه شاه عباسی تک تک خشت‌هایش با دستان پینه بسته کارگران ندوشنی زده شده و در کوره‌ای در ندوشن که هنوز هم بقایای آن باقی است، پخته شده است. با مشقت و با وسایل حمل و نقل بیش از



۱۲۴

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۹

پژوهشی درباره کاروانسرای قلعه خرگوشی

۴۰۰ سال پیش به آن نقطه که مرز بین ندوشن و ورزنه بوده حمل شده است» (برگرفته از: ورزنه. ارگ/ varzaneh.org؛ نوشته محسن سنایی اردکانی، بهمن ۱۳۹۸).

بنا به یادداشتی به تاریخ هیجدهم بهمن ۱۳۹۴ در سایت خبری «فرهنگ ندوشن» چنین آمده است که در دوره شاه عباس تصمیم به ایجاد کاروانسراهای تازه در مسیر راه‌ها گرفته شده است. به یک گفته که بارها تکرار شده، ولی سندی برای واقعیت آن موجود نیست، می‌خواسته‌اند که ۹۹۹ کاروانسرا بسازند. بنا بر همان نوشتار، از طرف بازرگانان ندوشنی که از راه ندوشن و ورزنه و اصفهان رفت و آمد می‌کرده‌اند، بودن چشمه آبی در وسط بیابان به نام «چشمه خرگوشی» به اطلاع دربار شاه عباس رساند می‌شود و درخواست ساختن رباط یا کاروانسرای در این منطقه می‌نمایند که با آن موافقت می‌شود. برای ساخت این کاروانسرا، بناها و معماران ندوشنی پیشقدم می‌شوند. در نخستین گام، دو کوره آجرپزی در سرچشمه ندوشن ساخته می‌شود. این دو کوره که تا سی سال پیش هنوز آثارشان بر جای بوده است؛ یکی روبه‌روی پمپ بنزین کنونی ندوشن و دیگری در کناره شمالی مسجد الغدیر ندوشن قرار داشته‌اند. همراه با پخت آجر در این دو کوره، از کوه‌های اطراف نیز سنگ لاشه برای ساخت قلعه جمع‌آوری شده است. بخش پایین دیوارها را با سنگ لاشه ساخته‌اند که بلندی آن به دو متر می‌رسد (جعفری ندوشن، ۱۳۹۴: ۱). بخش بالایی دیوار از آجر به بلندی سه متر ساخته شده است^(۱۹).

«خلاصه آجرهای پخته شده در کوره‌های آجرپزی سرچشمه ندوشن توسط ساربانان و شترهای ندوشنی و سورکی به قلعه حمل می‌شد و معماران و بناهای چیره‌دست شروع به ساختن قلعه نمودند. پس از ساخت اسکلت اصلی ساختمان قلعه بحث تزئین داخلی مطرح می‌شود که از کوه سفید (کوه جنب ندوشن) سنگ تراشان شروع به تراشیدن سنگ‌های صاف و تقریباً یکسان و هم اندازه می‌نمایند و باز هم سنگ‌ها توسط شتر از ندوشن به محل قلعه حمل می‌شود و همه ستون‌های داخلی قلعه تا حدود دو متر با سنگ‌های سفید و زیبا تزئین و به استحکام و ماندگاری بنا نیز افزوده می‌شود. بنا بر این نوشتار، هنوز هم دو ستون سالم و دست

نخورده باقی مانده است. هم زمان آجرهای مربع شکل و تخت برای پوشش پشت بام به قلعه حمل می‌شود و زیباتر از همه ناودان‌های تراشی شده از سنگ سفیده ندوشن می‌باشد که بسیاری از آنها هنوز سالم و پا برجا مانده‌اند، ولی بعضی هم شوربختانه کنده شده و در اطرف قلعه بین سنگ‌های خراب شده افتاده است» (جعفری ندوشن، ۱۳۹۴: تصویر ۹).



تصویر ۹: چهره بیرونی بنا و فروریختگی و جدایی قطعات سنگی و بخشی از آجرهای دیوار (برگرفته از: کتابی، ۱۳۹۰).

تا شروع دهه شصت خورشیدی، این کاروانسرا - قلعه از نظر تقسیمات کشوری جزئی از محدوده ندوشن بوده است، اما از این زمان از ندوشن جدا شده و جزو محدوده شهرستان اردکان (بخش عقدا) به حساب آورده می‌شود (جعفری ندوشن، ۱۳۹۴: ۱).

نتیجه‌گیری

وجود ساختمان این کاروانسرا در فاصله کمی بیش از ۹۳۰۰ متر بر روی تصویر گوگل ارت) از گسلی به نام نایین - دهشیر - بافت که گسل نسبتاً پویایی است (تصویر ۲) نشان می‌دهد که در طول دوره چهارصد سال اخیر، پس از ساخت آن، زلزله شدیدی در نزدیکی بنا روی نداده است که قادر به فروریزی آن شود. به عنوان یک نمونه مشابه، بررسی داده‌های تاریخی از زمین لرزه تاریخی

بزرگی در نزدیکی گسل دهشیر نشانی نمی‌دهد. به همین شوند (دلیل)، نبود نشانه‌های ویرانی در قلعه تاریخی مروسست با قدمت دوره بعد از اسلام، یعنی پیرامون سال‌های ۱۲۵۰ تا ۷۰۰ میلادی که در فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتری گسل دهشیر جای دارد، نیز گواهی در تأیید نبود جنبش لرزه‌ای بزرگ تا هفتصد سال گذشته است. البته جابجایی آبراهه‌های کوچک و بزرگ و سامانه‌های بادبزنی‌های آبرفتی در طول این گسل همگی نشانه پویایی لرزه‌ای و جابجایی در بازه زمانی بیست - سی هزار سال گذشته (کواترنر پایانی) است (فروتن و همکاران، ۱۳۹۰). در باره گسل دهشیر - بافت، از سوی دیگر، همین امر می‌تواند ما را به بررسی بیشتر و دقیق‌تر در شیوه مهرازی (معماری) این بنا کنجکاو سازد که بنایی که از گزند زلزله و سیل در امان مانده، چرا این گونه به ویرانی کشیده شده است؟! اشاره می‌شود که گسل ن. د. ب بنا بر آخرین پژوهش‌ها، پیرامون دو هزار سال پیش جنبایی شدیدی داشته است که هم اندازه بزرگی زلزله بم یا شدیدتر بوده است (فتاحی و همکاران، ۲۰۱۰).

در نتیجه ماندگاری این بنا در چهارصد سال گذشته می‌تواند بیانگر دو موضوع باشد: یکی اینکه ممکن است در درازای این بازه زمانی زلزله شدیدی روی نداده است و دیگر اینکه اگر هم زلزله‌هایی با شدت کمتر روی داده باشد (که دور از ذهن نیست) استواری و دقت ساخت معماری بنا تا آن حد بوده است که پایدار مانده است. این موضوع یعنی لرزش‌های روی داده در این بازه زمانی چهارصد ساله ممکن است بخشی از ترک خوردگی‌ها و فرسودگی‌ها را بازنمایی کند در حالی که از کارایی (تأثیر) بارش‌های شدید، برف و یخبندان و نیز دستکاری و بر هم زدگی‌های انسانی و خسارت‌های دیگر ناشی از حیوانات اهلی و وحشی هم نباید چشم پوشید.

بررسی ریزه‌کاری‌ها و فن آوری‌های به کار گرفته شده در ساخت بنای این کاروانسرا به همراه آگاهی از نوع مواد و شکل و فرم دستمایه‌ها (مواد) به کار گرفته شده در ساختمان موجود ارزش ویژه‌ای دارد که می‌تواند به ما برای نگهداری بهتر

این بنا کمک کند. اگر بتوانیم روش و فن‌هایی را که در ساختن ریزگان (جزئیات) این بنا به کار برده شده است را فراگیریم و بر آنها دست یابیم و این امید که بتوانیم در بازسازی و محکم‌سازی این ساختمان تاریخی نیز بهتر و پیشرفته‌تر عمل کنیم، دور از ذهن نیست. هر گونه دست بردن ناآگاهانه و بدون شناخت ریزبینانه ساز و کار اجزای این بنا و درک چرایی کاربرد این نوع مصالح و مواد در ساخت بنا ممکن است به خواسته‌ها و نتایج مورد نظر نرسد. بسیار خوش خبری است که گروهی از دلسوزان اردکانی به تعمیر و بهسازی این بنا همت گماشته‌اند، ولی ای کاش که از مردمان علاقه‌مند ندوشن و سورک نیز همیاری می‌طلبیدند که به هم بستگی و نزدیکی مردمی هم کمک شده باشد. آرزو دارد که به هنگام بهسازی بناهای تاریخی، به یاد بهبود همبستگی‌های فرهنگی و ملی زیربنایی نیز باشیم که شوربختانه در زمینه‌هایی واپس رفته است.

این بنا از نگر تاریخی و معماری ارزشمند است و می‌تواند بازسازی آن به شکل اصلی و اولیه آن ما را در درک و آموزش این گونه از معماری ارزشمند تاریخی و هنری ایرانی یاری‌رسان باشد. از دیدگاه آینده‌نگری نیز، می‌توان کارکردهای مهمانسرای بیابانگردی، مهمانسرای جهانگردی و در یک بخش دیرینکده (موزه) یادگارهای روستاها و آبادی‌ها گستره پیرامون این کاروانسرا-قلعه را برای آن در نظر آورد و حتی یک مهمانپذیر و مرکز کوچک زمین‌گردشگری (جهت بازدیدهای زمین‌شناسی و زمین‌ریخت‌شناسی و جغرافیای طبیعی) در این مکان فراهم نمود.

سپاسگزاری

از دوست گرامی آقای حسین مسرت برای ارسال برخی داده‌های کتابخانه‌ای سپاسگزارم. همچنین از دوستان بزرگوار یزدی و ندوشنی که در ارسال عکس یا سند و نوشته نگارنده را یاری کرده‌اند، قدردانی می‌نمایم.





۱- این مجموعه مقاله‌ها به صورت یک کتاب منتشر شد. نگاه کنید به: ایران را از یاد نبریم و به دنبال سایه همای. نشر توس، تهران، ۱۳۵۱، ۳۵۰ صفحه. چاپ‌های تازه‌ای از این کتاب نیز پس از انقلاب اسلامی منتشر گردیده است.

۲- فرهنگ آبادی‌های کشور، جلد دهم، چاپ مرکز آمار ایران. سال ۱۳۳۵، تهران.

۳- درگاه ملی آمار. مرکز آمار ایران، استان یزد، سال ۱۳۹۷.

۴- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندربیک منشی (ترکمان)، نسخه دیجیتال، جلد سوم، مرکز رایانه‌های قائمیه اصفهان، بدون تاریخ، برگرفته از نسخه چاپ امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۵- به اشتباه وزنه تایپ شده.

۶- همچنان به اشتباه «وزنه» تایپ شده است.

۷- در حالی که از این کاروانسرای از سوی جاده شنی - خاکی تا عقدا حدود ۷۴ کیلومتر و تا ندوشن حدود ۴۰ کیلومتر راه است.

۸- یک راست از کتاب آورده شده است و دیگرگونی در آن نیست؛ مگر اینکه در داخل دو کمان (پرانز) اشاره شده باشد.

۹- کوه سیاهکوه در خاور دریاچه نمک قم و حاشیه پارک ملی کویر مرکزی ایران، با سیاهکوه شمال کویر اردکان تفاوت دارد.

۱۰- با سپاس از آقای منوچهر فرودی، کارشناس اداره هواشناسی یزد در ارائه این آمار و تشکر از آقای مهدی جعفری که نسخه‌ای از آن را در اختیار محقق قرار دادند.

۱۱- «دغ»، به معنای زمین هموار خشک و با خاک سخت و بسیار ریزدانه در حد سیلت و رس است که امکان رویش گیاه در آن نباشد. تفاوت آن با کویر در کم بودن میزان نمک است و حتی ممکن است خاک و آب نسبتاً غیرشور داشته باشد.

۱۲- تمام نکته‌های این بخش با نگاه به تصاویر گوگل ارت و تفسیر چشمی پدیده‌ها انجام شده است. از آنجا که تصاویر گوگل ارت مورد استفاده از میزان رزولوشن (دقت و جدایش پذیری) بالا برخوردار نبوده است؛ در نتیجه نیاز به بررسی زمینی دارد.

۱۳- جزئیات کلی در کتاب یادگارهای یزد قید شده که در نکته نخست آورده شده است.

۱۴- به نظر نگارنده این سنگ‌ها، با توجه به نمونه‌های دیده شده، بیشتر از نوعی آندزیت کار شده‌اند که در نزدیک‌ترین کوه‌ها به کاروانسرا یافت می‌شود.

۱۵- www.irna.ir/news/۸۳۲۶۱۱۶۳۱/

۱۶- دکتر محسن میرجانی باستانشناس و فرنشین (ریاست) اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اردکان.

۱۷- <https://www.varzanehsaba.ir/ar/caravanserai-khargoooshi/>

به تاریخ هیجده ژانویه ۲۰۱۹؛ ۲۸ دی ماه ۱۳۹۷

۱۸- در متن «شمال» نوشته شده است که درست نیست.

۱۹- نگارنده از روی عکس‌های موجود و با توجه به بلندی دو متر بخش سنگی حساب کرده است.

منابع و مأخذ

- اسکندربیگ، ترکمان [معروف به منشی] (۱۳۳۵)، تاریخ عالم آرای عباسی، (تصحیح و تنظیم: ایرج افشار)، تهران: کتاب گیسوم.
- ----- [معروف به منشی] (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، (تصحیح و تنظیم: ایرج افشار)، تهران: امیرکبیر.
- افشار، ایرج (۱۳۴۸). یادگارهای یزد، جلد اول، تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- بردستانی، رضا (۱۳۹۷)، اینجا واقعیتی تاریخی در حال فروپاشی است. روزنامه آفتاب یزد- بیستم خرداد ۱۳۹۷.
- جعفری ندوشن، محمد (۱۳۹۴)، قلعه خرگوشی یادگار تاریخی ندوشن. هیجدهم بهمن ۱۳۹۴، وبگاه فرهنگ ندوشن، دسترسی آنلاین: <http://nodoushan.com/۱۳۹۴/۱۱> قلعه-خرگوشی-یادگار-تاریخی-ندوشن.
- دانش یزدی، فاطمه (۱۳۹۱)، معرفی رباط خرگوشی در یزد، فصلنامه فرهنگ یزد، سال سیزدهم، شماره ۴۲-۴۳: ۷۰-۷۱.
- رستگار، بامداد (۱۳۹۹)، کاروانسرای قلعه خرگوشی عقدا، زیر سایه ویرانی. خبرنامه آنلاین امرداد، نهم اردیبهشت ۱۳۹۹.
- سنایی اردکانی، محسن، کاروانسرای قلعه خرگوشی، سایت ورزنه، دسترسی آنلاین: <https://www.varzaneh.org/> کاروانسرای-قلعه-خرگوشی/
- علایی مهابادی، سلیمان؛ فؤادزی، محمد (۱۳۸۵)، نقشه زمین‌شناسی یک صد هزار (برگه عقدا)، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
- عمیدی، سیدمهدی؛ نبوی، محمدحسین و ملاعلی، احسان (۱۳۹۹)، نقشه زمین‌شناسی ایران، (برگه ۶۵۵۴: سرو بالا) سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
- فروتن، محمد؛ نظری، حمید؛ برتراند، میر؛ سبیر، میشل؛ فتاحی، مرتضی؛ کریستل، لودورتز؛ قرشی، منوچهر؛ حسامی، خالد؛ قاسمی، محمدرضا و طالبیان، مرتضی (۱۳۹۰)، آهنگ لغزش راست بر گسل دهشیر در بازه زمانی پلیستوسن پایانی - هولوسن. نشریه علوم زمین، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۸۲: ۱۹۵-۲۰۶. بی‌نا، (۱۳۹۸).
- قلعه خرگوشی ندوشن پدیده‌ای زیبا در قلب کویر، خبرنگاری ایرنا آنلاین، یزد، دوازدهم فروردین ۱۳۹۸؛ به آدرس: قلعه-خرگوشی-ندوشن-پدیده-ای-زیبا-در-قلب-کویر <https://www.irna.ir/news/>
- کتابی، محمد سلطان (۱۳۹۰)، سایت گالری عکاسی M.Sol، تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۹۰، دسترسی آنلاین: <http://msol.ir/pages/view/pageid/۴۳/lang/fa>

- محمدی مقدم، سمانه؛ مساعدی، ابوالفضل؛ جنگجو، محمد و مصداقی، منصور (۱۳۹۲)، مدل- سازی روابط بارندگی و خشکسالی با تولید مراتع ندوشن یزد. دومین کنفرانس بین المللی مدل سازی گیاه، آب، خاک و هوا. کرمان، هیجدهم و نوزدهم اردیبهشت ۱۳۹۲.

- M. Fattahi, H. Nazari, M.D. Bateman, B. Meyer, M. Se´brier, M. Talebian, K. Le Dortz, M. Foroutan, F. Ahmadi Givi and M. Ghorashi (۲۰۱۰): Refining the OSL age of the last earthquake on the Dehshir Fault, Central Iran. *Quaternary Geochronology*, ۵: ۲۸۶-۲۹۲.



۱۳۰

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۹

پژوهشی درباره کاروانسرای قلعه خرگوشی





Research on Rabbit Castle (Nodoushan)

Dariush Mehrshahi

Abstract

In the cultural history of several past civilizations, caravanserais have played a decisive role in economic, social, cultural, political and defense-security history. Thus, caravanserais not only served as a resting place and refuge for travelers, merchants and caravans, but also played an important role in the economy and trade and the distribution of products and incomes in various regions. They also served as temporary residences for people from different lands and ethnicities, and thus a place for cultural interactions and the exchange of ideas and customs between them. In addition, they were places for disseminating and exchanging political and economic news between different regions of a country.

The present article examines the existing records of a cultural heritage left over from the Safavid era, namely the Caravanserai of Nodoshan Rabbit Castle. For this purpose, by studying documents, and using a descriptive-analytical approach, research questions are examined in three areas: history and historical documents of the caravanserai, how and why the castle building was destroyed, and the spatial assignment of the castle building. The main message of this article emphasizes the need to pay attention to the restoration and revival of this work by giving it a new use so that it can better and more effectively recognize the precious heritage of our past history to the present and future generation.

Key words: Karvansarai, Castle, Khargooshi, Nodoushan, Historical Record